



«الهیات مادرانگی» در کتاب مقدس و قرآن کریم

نعیمه پورمحمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

پرسش‌های مهم پیش‌اروی «الهیات مادرانگی» چنین هستند: پرسش نخست: چه رابطه‌ای میان «مادرانگی» و «زنانگی» برقرار است؟ «آیا مادری جزء ضروری یا جنبه ذاتی زنانگی است»، به گونه‌ای که اگر زنی خود را از مادر بودن رها سازد، معنایش این باشد که از زن بودن خود جدا شده است؟ اگر این‌گونه باشد، آن دسته از زنانی که نمی‌توانند بچه‌دار شوند یا نمی‌خواهند بچه‌دار شوند، زن کامل یا حتی زن به حساب نمی‌آیند؟ پرسش دوم: چه رابطه‌ای میان «دغدغه مادرانگی» و «شغل زن» وجود دارد؟ یک مادر چگونه می‌تواند میان «زندگی حرفه‌ای» و «زندگی مادرانه» خود تعادل مناسبی برقرار کند؟ آیا مشارکت زن در اجتماع نظام طبیعی الهی را نقض می‌کند؟ آیا تحصیل و اشتغال زن به طراحی الهی از تن و بدن زنانه تعدی می‌کند؟ پرسش سوم: آیا «مادرانگی» یک هویت «واسطه» است یا یک هویت «مستقل»؟ آیا مادر به دلیل این که واسطه الهی برای آفرینش است، از خود هیچ هویت مستقلی ندارد؟ شاید این یکی از مفروضات جامعه مردسالار یا استعمار مردانه باشد. «الهیات مادرانگی در مسیحیت» در واکنش به این پرسش‌ها شکل گرفت و گسترش یافت و ادبیات گسترده‌ای را تحت عنوان «Motherhood Theology» ارائه کرد. در اسلام الگوی متمایز و شناخته‌شده‌ای از الهیات مادرانگی در اختیار نداریم، اما با تکیه بر همین الگوی استخراج‌شده از الهیات مادرانگی در مسیحیت، به سراغ قرآن کریم و سیره پیشوایان دین می‌روم تا طرح کلی الهیات مادرانگی را ترسیم کنم. باشد که بعدها این طرح نو بیشتر ساخته و پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها

الهیات مادرانگی، مادری، الهیات عملی، کتاب مقدس، قرآن کریم، فمینیسم

۱. استادیار گروه فلسفه دین، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.
(Naemepoormohammadi@yahoo.com)



“Theology of Motherhood” in the Bible and the Holy Quran

Naeimeh Pourmohammadi¹

Reception Date: 2022/02/24

Acceptance Date: 2022/05/05

Abstract

The important questions facing "motherhood theology" are: The first question: what is the relationship between "motherhood" and "femininity"? "Is motherhood an essential component or an inherent aspect of femininity" in such a way that if a woman frees herself from being a mother, it means that she is separated from being a woman. If so, are not the women who cannot or do not want to have children considered perfect women or women at all? The second question: What is the relationship between "motherhood concern" and "female occupation"? How can a mother strike the right balance between her "professional life" and her "motherly life"? Does female participation in society violate the divine natural system? Do a woman's education and employment violate the divine design of the female body? The third question: is "motherhood identity" "mediating identity" or "independent identity"? Does the mother have no independent identity because she is the divine mediator of creation? Perhaps this is one of the assumptions of a patriarchal society or the colonization of masculinity. In response to these questions, the "motherhood theology in Christianity" was formed and expanded to include the extensive literature entitled "Motherhood Theology". In Islam, we do not have a distinct and well-known model of motherhood theology but based on this extracted model of motherhood theology from Christianity, I studied the Holy Quran and the lives of religious leaders to draw an outline of motherhood theology. May this new plan be made and paid more later.

Keywords

Motherhood Theology, Motherhood, Practical Theology, the Holy Bible, the Holy Quran, Feminism

1. Assistant Professor, Philosophy of Religion Department, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. (Naemepoormohammadi@yahoo.com)

۱. مقدمه

دسته‌ای از «نظریات فمینیستی کلاسیک» برای تعیین ماهیت مادرانگی وجود دارد که عبارت‌اند از «نظریه فردگرایی»، «نظریه دوگانگی» و «نظریه مصرف‌گرایی». نظریه فردگرایی به طور کلی اخلاق جنسی زن را در اختیار خودش می‌داند و حق تصمیم‌گیری در مورد ازدواج، فرزندآوری، سقط جنین و طلاق را به او می‌دهد. تأکید بر فردگرایی در این نظریه موجب می‌شود مادرانگی برای زن تحقیرکننده و باعث بیرون آمدن او از نقش‌های اجتماعی‌اش دانسته شود. نظریه دوگانگی این ضدیت با مادرانگی را به اوج خود می‌رساند و معتقد است مادر بودن با زن بودن سر دشمنی دارد و استقلال و خودشکوفایی زن را از او می‌گیرد. از این رو، یک زن یا زن است یا مادر. اگر مادر شد، دیگر از زن بودن خارج شده و زن کامل و مطلوب نیست. نظریه مصرف‌گرایی بر آن است که فرزند کالایی مصرفی است که زن اگر بخواهد می‌تواند هر تعداد و به هر شکل از این کالا را که بخواهد تهیه و مصرف کند. در نتیجه، اگر این کالا را نخواست یا از ادامه مصرف آن سرباز زد، حق انتخاب با اوست. اگر زن شغل حرفه‌ای‌اش را بر مادری ترجیح داد، باز حق با اوست.

البته «نظریات فمینیستی معاصر» در خصوص هویت مادرانگی نظر مثبت و میانه‌رویی دارند و ضد مادری نیستند. این باور در آنها حاکم است که مادرانگی یکی از «ویژگی‌های زنانگی» است و از «ارزش و فضیلت خاص زنانه» برخوردار است، گرچه آن ارزش‌ها و فضایل با ارزش‌ها و فضایل مردانه متفاوت باشد (Fisk 2018, 5-15).

خلاصه آن که «الهیات مادرانگی در مسیحیت» در واکنش به آن دسته از نظریات فمینیستی کلاسیک ایجاد شد و گسترش یافت. الهیات مادرانگی در مسیحیت در راستای «ابهت و جلال بخشیدن به مفهوم و جایگاه مادرانگی» شکل گرفت و ادبیات گسترده‌ای را تحت عنوان «Motherhood Theology» ارائه کرد (برای نمونه، نک. Bergmann 2020; Atkinson 2019; Carnes 2020; Fisk 2018; Hamilton 2012; Stjerna 1997; Stovell 2016).

۲. الهیات مادرانگی مسیحی: دو کهن‌الگوی حوا و مریم

الهیات مادرانگی در مسیحیت بر دو کهن‌الگوی حوا و مریم دست می‌گذارد. حوا را برای نقش «مادری کردن برای خلقت» و «آفرینش انسان‌ها بر صورت خدایی» ستایش می‌کند و مریم را برای این که «مادر نجات و جبران و لطف و فیض الهی» است.

حوا مادر خلقت است و مریم مادر نجات. حوا از این جهت اهمیت و تقدس ویژه می‌یابد که کل انسان‌هایی که بر صورت الهی آفریده شده‌اند مدیون مادری حوا هستند و این مادر است که در خلاقیت و آفرینش خدا مشارکت کرده است، کاری که «آدم ابوالبشر» نمی‌توانست انجام دهد، کاری که خاص «حوا ام‌البشر» بود (Fisk 2018, 15-55). مریم «مادر خود خدا» است. مریم با خدا عهد بست که «مادر کلمه» او باشد، مادر پسر خدا. پیمانی که در طول تاریخ از سوی مردان بارها و بارها شکسته شد، این بار از سوی یک مادر بسته شد و جاودانه ماند. این میثاق با بشر اول بار با مریم و سپس به واسطه او با عیسی مسیح بسته شد و عیسی مسیح کار خود را با همکاری مادرش انجام داد. در طول زمان هر بار که زنی مادر می‌شود انگار این میثاق یک بار دیگر با بشر تکرار و تجدید می‌شود. از این جهت مادری به غایت مقدس و فیض‌بخش است. در کنار این، مریم با پذیرش «روح الهی» در «تن جسمانی» خویش و ترکیب این دو با هم نشان داد که امکان جمع میان «حرفه و شغل» (امر روحانی و ذهنی) با «عشق مادرانه و فرزندآوری» (امر تنانه و مادی) امکان‌پذیر است (Fisk 2018, 55-104).

۳. الهیات مادرانگی اسلامی

اکنون اگر بخواهم الهیات مادرانگی را در سنت اسلامی بیشتر با تکیه بر قرآن کریم و سیره ائمه اطهار بازسازی کنیم، به دستاوردهای جالبی در اصلاح یا تکمیل الهیات مادرانگی مسیحی می‌رسیم.

۳-۱. گذر از تابو بودن امور تنانه مادری: نمونه مریم

نخست آن که مادرانگی و جزئیات و خرده‌ریزه‌های تنانه مربوط به آن در قرآن کریم به هیچ وجه تابو و نامقدس نیست و به صراحت از آنها با تمام ریزه‌کاری‌های خاص خودش سخن گفته می‌شود. در قرآن کریم، آیات تشریح مراحل شکل‌گیری نطفه و جنین در شکم مادر را می‌توان مثال آورد: «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ. يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» (طارق: ۶-۷). همچنین است جزئیات کامل بدنی و روحی یک مادر به هنگام بارداری و زایمان و شیردهی، چنان که در خصوص مریم تمام این خرده‌ریزه‌های مادرانه به دقت ذکر می‌شود: «فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَّتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا. فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا. فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا. وَهَؤُلَاءِ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا. فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا...» (مریم: ۲۲-)

۲۶). ویژگی‌های خاص تنانه‌ای که بارداری و زایمان و شیردهی دارد باعث عدم تقدس یا ممنوع شدن سخن گفتن از آنها نمی‌شود. این خطاب قرآن برای آن دسته از فرهنگ‌هایی است که امور تنانه‌ی مربوط به مادرانگی را تابو و زشت و عیب می‌شمارند و این نوع نگاه پاره‌ای از محرومیت‌ها و تبعیض‌ها را علیه مادران به جا می‌گذارد. مثلاً این که آنها نتوانند به موقع نیازشان را بیان کنند و به موقع از خدمات بهداشت جسمی یا روحی برخوردار شوند.

زایمان با وجود این که بر اساس فقه اسلامی نجس‌ترین فرایند تنانه است، باز در سیره ائمه اطهار نامقدس و نجس نیست، چنان که امیرالمؤمنین (ع) در خانه کعبه به دنیا می‌آید. این الگو برای رفع تبعیض علیه مادران و به‌حاشیه‌رانی آنان به هنگام زایمان در محیط‌های سنت‌زده کارگشا است.

حتی این قول مریم که گفت: «قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ...» (مریم: ۲۰) اشاره به جنبه خاص تنانگی در بارداری دارد که قرآن هیچ خجالتی از بیان آن ندارد. از جهت دیگر، نوع نگاه خاص مادرانه را معرفی می‌کند و به رسمیت می‌شناسد. مریم دغدغه‌اش را به هنگام دریافت بشارت الهی بر فرزند دغدغه پاک‌دامنی و صرفاً تنانه بازمی‌شناسد و موقعیت از نظر او یک موقعیت تنانه و بدنمند و نگرانی حفظ آبروی تنانه است. در حالی که چنین موقعیتی برای پدر با بازنمایی پدرانگی به شکل کاملاً تنانه پیش نمی‌آید. پدر به راحتی می‌تواند پدرانگی را کاملاً جدا از تن و بدن خودش به شکل یک امر استعلایی و انتزاعی در نظر بگیرد، مادر نه. و قرآن کریم این وضعیت را به عنوان یک وضعیت زنانه به رسمیت می‌شناسد.

۳-۲. گذر از انحصار تقدس در مادری: نمونه زن فرعون و فاطمه زهرا (س)

دوم آن که قرآن کریم مادرانگی را تنها راه بازنمایی امر مقدس در زنان نمی‌داند. به عبارت دیگر، قرآن کریم به دنبال شکست دوگانه «زن مادر مقدس» در برابر «زن غیرمادر نامقدس» است. به طرز عجیبی، مادر بودن در قرآن کریم امتیاز یا مایه برتری یا تقدس‌زا نیست. قرآن می‌فرماید:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ. وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. وَمَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُهَا مِنَ الْقَائِنِينَ. (تحریم، ۱۰-۱۲)

آسیه، همسر فرعون، مادر نیست، و مریم مادر است، و هر دو الگوی اهل ایمان هستند، نه تنها برای همه زنان اهل ایمان، خواه مادر باشند و خواه غیرمادر، بلکه برای همه مردان اهل ایمان. این در حالی است که همسر زکریا و همسر ابراهیم نیز هر دو نازا هستند و هر دو بعدها صاحب فرزند می‌شوند و این موجب نمی‌شود که به مثال ایمان کامل تبدیل شوند. برعکس، آن زنی که مادر هم نیست به عنوان الگوی ایمان معرفی می‌شود. در واقع، قرآن کریم به هدف شکستن قالب‌های دوگانه برای ساختن امر مقدس و امر نامقدس، دوگانه «مادر به عنوان زن کامل مقدس» و «غیرمادر به عنوان زن ناقص نامقدس» را واسازی می‌کند. مادر شدن در قرآن کریم تقدس‌زا نیست. مادر نشدن هم تقدس‌زدا نیست. در سنت اسلامی نیز همین اندیشه استمرار پیدا می‌کند. فاطمه زهرا (س) مصداق کوثر دانسته می‌شود، در حالی که هنوز اصلاً شوهر و فرزندی ندارد. فاطمه زهرا (س) به تنهایی اصالت دارد و اهمیتش به ام‌الائم بودنش نیست، که اگر این گونه بود، ما در ادعیه ائمه (ع) را به حق خودشان و مادرشان قسم می‌دادیم، حال آن که ما فاطمه زهرا (س) را به حق خودش و فرزندانش قسم می‌دهیم. این جنبه از سیره اسلامی بر استقلال فضیلت زنانگی از مادرانگی دلالت دارد.

در سیره اسلامی، فاطمه زهرا (س) پنج نوبت مادر می‌شود، خدیجه کبرا (س) یک نوبت مادر می‌شود، آسیه (س) اصلاً مادر نمی‌شود و فاطمه معصومه (س) اصلاً شوهر نمی‌کند که مادر شود. آمنه (س) با آن که بچه‌دار می‌شود، بچه‌اش را شیر نمی‌دهد و فاطمه زهرا (س) جنینش سقط می‌شود. مراد از ذکر این نمونه‌ها این است که همه وضعیت‌های زنانه در الگوهای اسلامی یافت می‌شود و هر زنی با هر شرایطی می‌تواند الگوی مورد نظر خود را از میان زنان مقدس بیابد و به او اقتدا کند. هیچ زنی با هیچ وضعیتی زنانه‌ای نباید احساس کند که جایی در امر قدسی ندارد و یکسره خارج افتاده است.

به خاطر داشته باشیم که فاطمه زهرا (س) زمانی مخاطب «فداها أبوها فأنها أمّ أبیها» قرار گرفت که کودکی بیش در خانه پدر نبود. چگونه یک دختر خردسال می‌توانست مادر پدرش باشد، جز این که بگوییم هر زنی حتی در کودکی می‌تواند به واسطه توجه و مراقبت و مادرانگی نسبت به کسی، لقب مادر برای او را بگیرد، ولو این که آن زن هیچ‌گاه در زندگی‌اش بچه‌دار نشود. هر زنی می‌تواند مادری کند و این اصلاً ربطی به فرزندآوری ندارد. در الهیات مادرانگی مسیحی نیز مضمونی مشابه «فإنها أمّ أبیها» می‌یابیم: «Every Woman is Called to Be A Mother».

۳-۳. ویژگی‌های مادری و دریافت وحی الهی: نمونه امّ موسی، مریم و زن عمران در سوره قصص آیه ۷ می‌خوانیم: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَاِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ». خداوند می‌فرماید ما به مادر موسی وحی کردیم و او وحی ما را دریافت کرد و به آن ترتیب اثر داد. محتوای وحی در اینجا گذر از خطری است که برای نوزاد پیش خواهد آمد و از این جهت فرقی میان مادر موسی و دیگر مادران که نوازدی در آغوش دارند نیست. گویی هر مادری از لحظه‌ای که فرزند در شکم دارد تا زمانی که لحظه زایمانش فرامی‌رسد و سپس برای بزرگ کردن نوزادش و رهایی از خطراتی که متوجه خودش و طفلش است، به رابطه مستقیم با خالق خویش و خالق آن طفل نیاز دارد. بسیاری از مادران تجربه‌هایی از این الهام‌ها و پیش‌آگاهی‌ها دارند. ویژگی مادری این است که وحی الهی را بدون چانه‌زنی می‌پذیرد و فوراً دل به قول و قرار الهی می‌سپارد که طفلش را حفظ خواهد کرد. «إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ» قول و قرار میان خدا و یک مادر است. این تجربه در زندگی روزمره بسیاری از مادران بارها و بارها تکرار می‌شود. انداختن بچه در آب در این مورد برای مادر بسیار سخت و نگران‌کننده است ولی خدا با مادر حرف زده است و به دل او انداخته است که این کار را به رغم ناممکن بودنش، به رغم ظاهر محالی که دارد، انجام دهد. خدا به مادر قول بازگشت کودکش را داده است. پس مادر به خدا اطمینان دارد.

نمونه دیگر از دریافت وحی مستقیم الهی در خصوص مریم به هنگام بارداری و زایمان است: «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا. وَهَؤُلَاءِ إِلَيْكَ يَجُدُّعُ النَّخْلَةَ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا. فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيَنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا» (مریم: ۲۴-۲۶). مریم پس از آن که می‌فهمد بدون شوهر بناست بچه‌ای داشته باشد، به صحبت مستقیم با خدا رو می‌کند: «قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَعْثًا» (مریم: ۲۰)، و با خدا درد دل می‌کند: «... قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا نَسِيًّا» (مریم: ۲۳). این نشان از مواجهه و مکالمه رودررو و بدون واسطه میان مادر و خداست، خدایی که در اینجا قلب مادر را آرام می‌کند. «أَلَا تَحْزَنِي» در خطاب به مریم یادآور «لاتحزنی» در خطاب به مادر موسی است. زبان خدا در برابر مادران زبان مادرانه و سرشار از عواطف است، زبان پدرانه و منطقی و استدلالی نیست. چون خود مادرها پیش روی خدا طلب استدلال یا منطق نمی‌کنند، با خدا با منطق پدرانه سخن نمی‌گویند و با او از در جدل وارد نمی‌شوند. شیوه دریافت وحی امّ موسی با خود موسی متفاوت است. موسی به هنگام دریافت وحی الهی

نگران لکنت زبانش است و برادرش را برای اطمینان قلبش انتخاب و به خدا پیشنهاد می‌دهد (طه: ۲۵-۳۲). واکنش زکریا نیز به هنگام بشارت فرزند در مقایسه با مریم واکنشی مردانه و پدران‌ه است، از خدا طلب نشانه می‌کند که دلش قرص شود؛ فوراً تسلیم قول و قرار الهی نمی‌شود (مریم: ۷-۱۰).

نمونه سوم زن عمران است که جنینی را که در شکم دارد نذر خدا می‌کند و وقتی نوزاد دخترش به دنیا می‌آید باز از قول و قرارش با خدا برنمی‌گردد و نوزاد را مریم یعنی مرد خدا می‌نامد. خدا نیز در واکنش به این حجم انبوه از سادگی و صداقت، از او قبول حسن می‌کند و مریم را رشد حسن می‌دهد. مادر مریم باور دارد که خدا سخنش را می‌شنود و عهدش را می‌پذیرد و قولش را جدی می‌گیرد:

إِذْ قَالَتْ امْرَأَةٌ عَمْرَأَةَ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَكِنَّ الذَّكَرَ كَأَنَّهُ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (آل عمران: ۳۵-۳۷)

۳-۴. جایگاه اجتماعی مادر: نمونه پسر مریم و مادرش

در سوره مؤمنون آیه ۵۰ می‌خوانیم: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ». پسر مریم با مادرش و به همراه مادرش آیه است. عیسی «پسر مریم» است و با لقب پسر مریم از او یاد شده است. مریم در این سوره دو بار آیه دانسته شده است. عیسی به همراه مادرش است که آیه خدا و نبی خداست. مریم فقط ارزشش این نیست که عیسی را زاییده است، بلکه تا آخر مسیر گویا به گفته قرآن با او همراه است و با او همکاری و همفکری می‌کند. به گفته قرآن، عیسی مسیح سال‌ها نبی خدا بود و در جایی ثبات و قرار داشت و پیامبری می‌کرد و در ایفای این نقش اجتماعی مادر همراه او بوده است.

۴. نتیجه‌گیری

الهیات مادرانگی در مسیحیت با بررسی موارد حوا و مریم در واکنش به دیدگاه‌های افراطی فمینیستی بیشتر در تلاش برای تقدس‌زایی برای مادری است. این در حالی است که الهیات مادرانگی در اسلام با بررسی نمونه‌های مریم، زن فرعون، فاطمه زهرا (س)، مادر موسی، زن عمران و جز آنان، اندیشه‌های درخشانی همچون این موارد را مطرح می‌کند:

«شکستن تابوی سخن گفتن از ویژگی‌های تنانه مادرانگی»، «شکستن دوگانه مادر مقدس و کامل و زن غیرمادر نامقدس و ناقص»، «مادر بودن بدون فرزندآوری»، «خلق الگو برای همه انواع مادرانگی»، «دریافت وحی الهی به عنوان یک ویژگی مادرانه»، «جایگاه اجتماعی مادر در کاروبار فرزند». اینها سرآغاز راهی است برای تکمیل و توسعه الهیات مادرانگی اسلامی.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- Atkinson, Clarissa W. 2019. "Theological Motherhood: The Virgin Mother of God", in *The Oldest Vocation; Christian Motherhood in the Medieval West*. Cornell University Press.
- Bergmann, Claudia D. 2020. "Mothers of a Nation: How Motherhood and Religion Intermingle in the Hebrew Bible." *Open Theology* 6(1): 132-144.
- Carnes, Natalie. 2020. *Motherhood: A Confession*. Stanford University Press.
- Fisk, Christine. 2018. "The Christian concept of the nature of motherhood and its implications in a contemporary context". Master of Philosophy (School of Philosophy and Theology), University of Notre Dame Australia. <https://researchonline.nd.edu.au/theses/211>.
- Hamilton Jr, James M. 2012. "A biblical theology of motherhood." *Journal of Discipleship and Family Ministry* 2(2): 6-13.
- Stjerna, Kirsi. 1997. "Birgitta of Sweden and the Divine Mysteries of Motherhood." In *Medieval Feminist Forum: A Journal of Gender and Sexuality*, vol. 24, no. 1, pp. 31-37. Society for Medieval Feminist Scholarship.
- Stovell, Beth M. 2016. "Can We Really Make Sense of Motherhood?". In *Making Sense of Motherhood: Biblical and Theological Perspectives*, edited by Lynn H. Cohick. Wipf and Stock Publishers.

